

بازخوانی روایت‌های

شریعتی، آل احمد، مطهری، زرین کوب و مسکوب

# ایران در پنج روایت

دربارهٔ هویت ملی، تنوع‌زبانی، زبان مادری و مسألهٔ زبان ترکی در ایران



سید جواد میری

# ایران در پنج روایت

---

بازخوانی روایت‌های شریعتی، آل احمد، مطهری، زرین کوب و مسکوب  
درباره هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و مسئله زبان ترکی در ایران

سید جواد میری



نقد فرهنگ

۱۳۹۷

---

سرشناسه: میری، سیدجواد، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور: ایران در پنج روایت؛ بازخوانی روایت‌های شریعتی، آل احمد، مطهری، زرین کوب و مسکوب درباره هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و مسأله زبان ترکی در ایران / سیدجواد میری.

مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۷۳ ص

شابک: ۵-۸۲-۸۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: ویژگی‌های ملی ایرانی - دیدگاه مشاهیر؛ ویژگی‌های ملی ایرانی؛ ایرانیان - هویت - تاریخ

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ م ۹/۹۶۵/DSR

رده‌بندی دیوبی: ۹۵۵/۰۰۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۴۳۵۳۷

---



نقد فرهنگ

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم، ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳

مراکز پخش: ۰۹۹۶۶۴۶۰۰۶۶۶۶۶۰۰۷، ۰۶۶۹۶۷۰۰۷، ۰۶۶۴۸۶۵۳۵

تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸

---

نام کتاب: ایران در پنج روایت؛ بازخوانی روایت‌های شریعتی، آل احمد، مطهری، زرین کوب و مسکوب درباره هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و

مسأله زبان ترکی در ایران

نویسنده: سید جواد میری

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۵-۸۲-۸۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸

---

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

رها کن حرف هندورا ببین ترکان معنی را  
من آن ترکم که هندورا نمی دانم نمی دانم  
بیا ای شمس تبریزی مکن سنگین دلی با من  
که با تو سنگ ولولورا نمی دانم نمی دانم

مولوی

## فهرست

۱۱.....	پیشگفتار
۱۷.....	مقدمه
۲۷.....	فصل اول: زبان و هویت ملی در نگاه شریعتی
۲۷.....	مقدمه
۲۸.....	زبان به مثابه‌ی یک مسئله‌ی اجتماعی
۳۲.....	طبقه و درک زبانی
۳۵.....	روح زبان
۴۲.....	ملیت و زبان مادری
۴۷.....	فصل دوم: بازخوانی انتقادی روایت مطهری از «ناسیونالیسم ایرانی»
۴۷.....	مقدمه
۴۸.....	مطهری و مسئله‌ی زبان فارسی
۴۹.....	مطهری و مسئله‌ی نژاد آرایی
۴۹.....	ایرانیّت را چگونه مفهوم‌سازی کنیم؟
۵۱.....	روایت مطهری از ایران
۵۲.....	چرا مطهری در باب «ناسیونالیسم ایرانی» می‌اندیشد؟
۵۵.....	مطهری و ایده‌ی «ناسیونالیسم»
۵۷.....	مطهری و مسئله‌ی «ملیت»
۵۹.....	مطهری و مسئله‌ی پان‌ترکیسم

۶۱	«ملیت ایرانی» و برساختی به نام «نژاد آریا»
۶۳	بازخوانی نگاه مطهری به «زبان پارسی»
۶۵	مطهری و مفهوم «ملت»
۶۸	نگاه مطهری به مسئله‌ی «تنوع زبانی»
۷۰	نگاهی به روایت مطهری از ظهور «زبان فارسی» در شرق
۷۳	هویت ایرانی و زبان فارسی: نگاهی به نقد شاهرخ مسکوب بر مطهری
۷۷	مطهری و پیوند دین و ناسیونالیسم
۷۹	کوروش و داریوش: نگاه مطهری درباره‌ی خرافه‌ی استقلال نژادی
۸۱	پدیده‌ی ملی و معیار آن
۸۴	نگاه مطهری به مقولات «ملیت» و «قومیت»
۸۶	نیاز تئوریک به «سروش‌زدایی» از پروژه‌ی مطهری
۸۹	<b>فصل سوم: بازخوانی روایت جلال آل احمد از هویت ایرانی</b>
۸۹	مقدمه
۹۳	روشنفکری و جلال آل احمد و زبان ترکی
۹۵	جلال آل احمد و روشنفکر ایرانی در نسبت با «امر زبانی»
۹۷	روشنفکر و مشکل زبان ترکی در نگاه جلال آل احمد
۹۹	روایت جلال آل احمد از «زبان ترکی»
۱۰۲	زبان تاتی آذری و ترکی در آذربایجان: بازخوانی روایت جلال آل احمد
۱۰۷	تشیع و مسئله‌ی زبان ترکی در روایت جلال آل احمد
۱۰۹	زبان و مدرنیته در روایت جلال آل احمد
۱۱۲	جلال آل احمد و «سیاست‌گذاری نامیدن»
۱۱۵	روایت جلال آل احمد از بحران آذربایجان و مسئله‌ی زبان
۱۱۸	روایت جلال آل احمد و مسئله‌ی «استعمار فرهنگی»
۱۲۳	<b>فصل چهارم: بازخوانی روایت عبدالحسین زرین کوب از ایرانیت</b>
۱۲۳	مقدمه
۱۲۴	گرانیگاه عرب‌ستیزی در روایت آریایی‌گرایان چیست؟

زبان گمشده: نگاهی به مسئله‌ی زبان در روایت زرین کوب.....	۱۲۷
ایران و تنوع زبانی .....	۱۲۸
رستاخیز ایران به روایت عبدالحسین زرین کوب.....	۱۳۲
زرین کوب و مسئله‌ی «ایرانیت» .....	۱۳۵
مؤلفه‌های بنیادین در «فهم ایران» .....	۱۳۹
<b>فصل پنجم: هویت ایرانی و زبان فارسی در روایت شاهرخ مسکوب .....</b>	<b>۱۴۳</b>
مقدمه .....	۱۴۳
مسکوب و بحث سهم «دیوانیان و علما و عرفا» در نسبت با «زبان فارسی» .....	۱۴۴
روایت مسکوب از «دویست سال بهت ایرانی‌ها» .....	۱۴۶
ملیت و ایرانیت در جان پناه زبان فارسی .....	۱۴۸
مسکوب و ایده «استثنا بودن ایران» .....	۱۵۱
بازخوانی مفهوم «ملیت» در روایت مسکوب .....	۱۵۴
زبان و «حس ملی» در روایت مسکوب .....	۱۵۶
ملیت و «زبان-مأوایی» در روایت مسکوب .....	۱۵۹
روایت مسکوب درباره «زبان لاتین» و نسبت آن با «مسئله‌ی زبان» .....	۱۶۲
بازخوانی نقد مسکوب بر مطهری در باب «ملیت» .....	۱۶۶
<b>فهرست منابع.....</b>	<b>۱۷۱</b>
منابع فارسی .....	۱۷۱
منابع انگلیسی .....	۱۷۲
منابع عربی .....	۱۷۳

## پیشگفتار

در این دفتر تلاش نموده‌ام پنج روایت از ایران را بازخوانی کنم. به سخن دیگر، مفروض من این است که تصورات متفکران معاصر ایرانی درباره‌ی «ایران» به مثابه‌ی یک مفهوم، در عین مشابهت‌هایی که ممکن است داشته باشند، بدون شک دارای مفترقاتی نیز هستند و این دیالکتیک مشابهات و مفترقات، ما را به این نکته آگاه می‌کند که فهم ما از پدیداری به نام ایران برساختی مبتنی بر فهم و مفروضات و منظر فلسفی و نظری ما است و هرگز به عنوان «وحی منزل» نمی‌توان آن را محسوب کرد. هرگاه فهم خویش را به هر دلیلی مطلق کردیم، یقین بدانید که از دایره‌ی فهم و مفاهمه و درک، پای به بیرون نهاده‌ایم و در حال «سنگرسازی‌های ایدئولوژیک» برای تسلط بر «دیگری» هستیم.

به عبارت دیگر، در این پژوهش تلاش من بر این بوده است که برخی از روایت‌های موجود معاصر درباره ایران را مورد بازخوانی قرار دهم و از بین بی‌شمار روایت‌ها من پنج روایت را برگزیده‌ام: روایت شریعتی، مطهری، آل‌احمد، زرین کوب و مسکوب و این روایت‌ها را در نسبت با هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و مسئله‌ی زبان ترکی در ایران مورد بحث و گفتگو قرار داده‌ام. البته باید این نکته‌ی روشی را نیز در ابتدای این دفتر روشن کنم چرا که ممکن است این‌طور اشکال شود که شاید این متفکران به صورت مستقیم



دغدغهی پرسش‌های من را نداشته باشند؛ ولی من تلاش نموده‌ام متن را به سخن درآورم و به صورت «استنطاقی» پاسخ‌های خویش را از متن بیابم و یا با متن به دیالوگ انتقادی پردازم. در این دفتر من بارها با متفکرانی که انتخاب کرده‌ام به گفتگو نشستیم و آنها را نقد کرده و برخی اوقات از خلال بحث‌های نیمه‌تمامی که کرده‌اند، نتایجی را استخراج و مفروضات آنها را به چالش کشیده‌ام و یا با برخی وجوه اندیشه‌شان همدلانه همراهی کرده‌ام. البته برخی از متفکرینی که من برگزیده‌ام همانند جلال آل‌احمد، به موضوع زبان ترکی به صورت مستقیم و برخی دیگر مانند شریعتی به موضوع زبان مادری در سیاق متفاوتی پرداخته‌اند؛ ولی با بازخوانی متن می‌توان به جوهری از رویکرد انتقادی شریعتی دست یافت.

اگر از من پرسید چرا متفکران دیگری همچون سید احمد کسروی، علیرضا نابدل، سعید نفیسی و یا کاظم‌زاده ایران‌شهر را در این مطالعه مورد بازخوانی قرار نداده‌ام، آنگاه پاسخ من این است که مضاف بر این، اندیشمندان بی‌شمار دیگری را نیز می‌توان به این لیست اضافه کرد و از متفکرانی همچون ابراهیم پورداود، مجتبی مینوی، ایرج افشار و سید حسن تقی‌زاده نیز یاد کرد. اما مسئله اینجاست که برای پرداختن به تمامی متفکرانی که در عصر حاضر به ایران و مسئله‌ی زبان و اهمیت زبان مادری و شیوه‌ی مواجهه با زبان‌های غیرفارسی پرداخته‌اند، نیازمند نگاشتن بیش از یک کتاب و دفتر هستیم و من در اینجا تلاش کرده تا گامی کوچک بردارم و امیدوارم که جامعه‌ی علمی و نسل جوان دانشگاهی گام‌های بعدی را استوارتر از من بردارند. البته من بر این باورم که پرداختن به مسئله‌ی ایران و بحث‌هایی انضمامی چون زبان مادری و هویت ملی و تنوع فرهنگی و جایگاه زبان ترکی و رابطه اسلامی و ایرانیت و مدرنیت، صرفاً فعالیت‌هایی «تخصصی» نیستند بلکه ربط وثیقی با «حوزه عمومی» دارند و جامعه‌شناس باید قدرت مفهوم‌پردازی در حوزه عمومی را داشته باشد و به قول سی‌رایت

میلز<sup>۱</sup>، جامعه‌شناس کسی است که توانایی پیوند بین «امر خصوصی» و «امر اجتماعی» را داشته باشد.

به سخن رساتر، پرداختن به این موضوعات به نوعی بازاندیشی جامعه‌ی ایرانی و تأمل در باب مناسبات قدرت در ایران معاصر و نسبت فرهنگ و سیاست و اقتصاد نیز هست. یکی از وجوه مهم جامعه‌شناسی، بازاندیشی در «برداشت‌های تاریخی» و «فهم‌های مستقر» و «چارچوب‌های غالب» است که در هر جامعه به دلایل گوناگونی ممکن است «مطلق» گردد؛ ولی تلاش جامعه‌شناس باید بر شالوده‌شکنی استوار بوده، به طرح مناسبات جدیدی بپردازد که جایگزین روابط مستقری شود که سبب «سرکوب دیگری» است. اگر این شالوده‌شکنی رخ ندهد و مناسبات اجتماعی و روابط امور (زبان، هویت، مذهب، دین، سیاست و...) در جامعه‌ای به صورت متصلب درونی گردد، آنگاه جامعه راه تحول و پویایی را از دست خواهد داد.

مفاهیمی که من در این بحث مورد مطالعه و واکاوی قرار داده‌ام، در ذیل مقوله‌ی «امنیت» و «سیاست» نباید مورد خوانش قرار بگیرند، بل باید در ذیل نگاه فرهنگ و بینش انسان‌شناختی<sup>۲</sup> باشند و این تمایز بدین معناست که من مفاهیم محوری بحثم را با نگاه امنیتی و سیاسی مورد واسازی قرار نداده‌ام؛ بلکه دغدغه کلیدی‌ام مبتنی بر بینشی انسان‌شناختی بوده است. البته این بدین معنا نیست که بحث‌های من تبعات سیاسی و امنیتی ندارد؛ بل بدین معناست که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و امنیتی باید در قالب‌های نوین و ذیل «امر متنوع» مفهومی‌نه شوند و مدعای من این است که با چنین رویکردی نه تنها «دیگری» سرکوب نخواهد شد و نه تنها «امر سرکوب شده» نیازی به «برگشت» ندارد؛ بل فضایی برای بازسازی تکثیرها در قالب امر‌هایی بخش ممکن خواهد گشت و مقصودم از امر‌هایی بخش در این بستر

1. C. Wright Mills

2. Anthropological

این است که رابطه امر سیاست-گذار و امر سیاست-شده مبتنی بر سرکوب و اُبژه‌وارگی نخواهد بود، بل نوعی مشارکت تعامل‌آفرین در عرصه‌ی جامعه‌ی رخ خواهد داد. البته ممکن است این پرسش مطرح گردد که این رخداد را چگونه باید مدیریت کرد تا ایران دچار ازمه گسیختگی نگردد؟ در کتاب *تأملی درباره‌ی ایران: واکاوی هویت، ملیت، ایرانیت و سیاست‌گذاری‌های زبانی* تلاش من بر این امر بوده که به این پرسش، پاسخ شایسته‌ای بدهم و در اینجا آن بحث را تکرار نمی‌کنم و خوانندگان را به آن اِثراجاع می‌دهم. اما اجازه دهید نکته‌ای را در اینجا با شما مخاطبان آشنا در میان بگذارم و آن این است که من معتقدم سرکوب تنوعات دینی، مذهبی، زبانی، سیاسی و فرهنگی نه تنها وحدت ایجاد نمی‌کند، بل وحدت موجود را نیز به مخاطره می‌اندازد و از آن مهم‌تر، وحدت موجود را نمی‌توان بر اساس مؤلفه‌های «وحدت قدیم» تجدید کرد؛ بل ما نیازمند بازاندیشی جدی در این حوزه هستیم و این امر بدون گفتگوهای چالشی در عرصه‌ی آکادمیک و عمومی ممکن نیست.

متفکران ایرانی معتقدند که جامعه‌ی ایران دارای سه آبشخور بزرگ «ایرانیت»، «اسلامیت» و «مدرنیت» است؛ ولی من بر این باورم که این‌گونه مفهومی‌کردن جامعه‌ی معاصر ایرانی نمی‌تواند پیچیدگی‌های اکتسون و اینجا را تبیین کند. به سخن دیگر، هرکدام از این ایده‌ها نیازمند بازخوانی‌های بنیادین و نظری جدی هستند تا ما بفهمیم چه خوانش‌هایی از ایران و اسلام و مدرنیته در بستر تاریخی‌مان ممکن و مطلوب است و نسبت هر سه‌ی این ایده‌ها با چرخش پست مدرن چیست. به عبارت دیگر، مدرنیته‌ی متقدم و مدرنیته‌ی متأخره ترتیب دغدغه‌ی روشنفکران و علمای مشروطه در انقلاب مشروطه و روشنفکران و علمای انقلاب اسلامی بوده است؛ ولی با ورود ایران به قرن بیست و یکم و تحولات تکنولوژیک در تمامی عرصه‌های مجازی و فرامجازی، نیازمند بازخوانی نسبت‌های نوین و مناسبات موجود در نسبت با

تحولات عصری پسامدرن نیز هستیم. البته سیاستمداران و سیاست‌گذاران می‌توانند چشمان خویش را بر این واقعیت‌های شتابان ببندند؛ ولی اهل تفکر باید در باب مسائل آینده و اکنون و اینجا و نسبت آنها با «آنجاها» تأمل انتقادی کنند و سقف تفکر خویش را ذیل «عادت» و «میل عوام» یا «تمایلات قدرت» تحدید نکنند، بل به فراسوی مرزهای موجود نظر افکنند تا «مرغ ایده» را به جهد صید نمایند.

## مقدمه

همان‌طور که از عنوان کتاب ( ایران در پنج روایت ) هم پیداست، در این کتاب تلاش کرده‌ام روایت شریعتی، مطهری، مسکوب، زرین کوب و جلال آل احمد را در مورد مسئله‌ی ایران، تنوع فرهنگی، زبان مادری و مسئله‌ی زبان ترکی در ایران مورد بررسی قرار دهم. البته ممکن است این پرسش مطرح شود که اولاً چرا انتخاب من این پنج نفر بوده است؟ در دوران معاصر اندیشمندان، متفکران و فلاسفه بی‌شماری داشته‌ایم که در مورد مسئله‌ی ایران صحبت کرده‌اند، مانند آخوندزاده، فریدون آدمیت، شفق، کسروی، علیرضا نابدل، دهخدا، سید جعفر شهیدی، کاظم زاده ایران شهر، سعید نفیسی، پورداد و افراد بی‌شماری که می‌توانیم در این حوزه نام ببریم. اما ما بر این پنج متفکر یا بر این پنج روایت تمرکز کرده‌ایم.

حقیقت این است که اگر می‌خواستیم تمامی این رویکردها یا تمامی این افراد را وارد این مطالعه کنیم، کتاب بسیار قطوری می‌شد؛ از این رو ذیل مفاهیم یا ذیل گرایش‌های کلانی که این پنج نفر به گونه‌ای در جامعه‌ی ایران نمایندگی‌شان می‌کنند تمرکز کرده‌ایم. به عنوان مثال شریعتی را می‌توانید نوعی اسلام‌گرای سوسیالیست، مطهری را اسلام‌گرای فقهی، جلال آل احمد را یک نظریه‌پرداز پسااستعماری دسته بندی کنید. زرین کوب را می‌توان در ذیل ناسیونالیست باستان‌گرا و مسکوب را در ذیل جریان ناسیونالیست مدنی قرار داد. به بیان دیگر ما پنج متفکر داریم که هر کدام از این متفکران

یک دیسپلین خاص را در حوزه‌ی علوم انسانی نمایندگی می‌کنند. به‌عنوان مثال مطهری را در ذیل دیسپلین فلسفه با گرایش نوصدرایی، شریعتی را در ذیل دیسپلین جامعه‌شناسی با گرایش «مارکس-وبری» و جلال آل‌احمد را ذیل ادبیات انتقادی<sup>۱</sup> تعریف می‌کنیم و مسکوب را در ذیل ادبیات و اسطوره‌شناسی قرارش می‌دهیم و به همین ترتیب زرین‌کوب را در دیسپلین تاریخ طبقه‌بندی می‌کنیم. به عبارت دیگر منطق‌گزینش متفکران در این مطالعه بر این اساس بوده که در حوزه‌ی علوم انسانی گرایش‌های متفاوت و دیسپلین‌های متفاوتی را که وجود دارند پوشش دهیم. ابتدا در این مطالعه آثار مختلف این متفکران را بررسی کرده‌ایم؛ ولی در نهایت پنج عنوان کتاب در مرکز این مطالعه و پژوهش قرار گرفته است. کتاب *بازشناسی هویت ایرانی اسلامی* از علی شریعتی؛ کتاب *خدمات متقابل اسلام و ایران* از مرتضی مطهری؛ کتاب *هویت ایرانی و زبان فارسی* از شاهرخ مسکوب؛ کتاب *در خدمت و خیانت روشنفکران* از جلال آل‌احمد و کتاب *دوقرن سکوت* از عبدالحسین زرین‌کوب.

نکته‌ی حائز اهمیت‌تری که باید گفته شود این است که هرکدام از بحث‌ها و سخنان این متفکران پیرامون مسئله‌ی ایران محدود به عناوین ذکرشده در بالا نمی‌شود؛ چرا که این متفکران کتاب‌های دیگری نیز در این راستا به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. به‌عنوان مثال مجموعه آثار شریعتی ۳۶ جلد و مطهری نزدیک به ۱۰۰ جلد کتاب می‌شود. در بحث‌هایی که مطهری در مورد حقوق زنان و آینده انقلاب اسلامی یا تکامل اجتماعی انسان کما هو انسان دارد، نگاهش به ایران است. وقتی او در مورد اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب صحبت می‌کند، نیم‌نگاهی به وضعیت موجود در ایران دارد. ممکن است این سوال پیش آید که از تمامی آثاری که این افراد دارند چرا این یک کتاب انتخاب شد؟ به نظرم این انتقاد مهمی است؛ ولی اگر منطق این